

Protecting Water And Water celebrations in the Iranian Mythology

Mahmoud Ja'fari Dahaghi, Ph.D.

Group of Ancient Languages & Culture
School of Literature & Humanities
Tehran University

Abstract: Iran has experienced a variety of climatic and geographical changes from ancient times onwards. A noticeable part of the Iranian central plateau has been surrounded by three mountain ranges of Alborz in the north, Zagros in the west and Taftān mountains in the east as well as extensive arid deserts. The last one which is one of the most infertile deserts in the world consists of Dasht-e Kavīr in the north and Dasht-e Lūt in the south. Existence of desert in Iran makes our land to be always threatened by drought. In such circumstances, creation of mythologies concerning rain-creating seems logical. Accordingly, such myths dates back to the antiquity when our land was faced with drought and climatic problems.

From the other side, the contents of the Iranian mythology about water reveal that protection and monitoring of water were of paramount importance and the Iranians have had diverse rituals, celebrations and prayers in this regard. This article tries to re-identify some of these rituals and celebrations in terms of cultural researches as well as archeological excavations. Their valuable aspects should be investigated and assessed in order to use the results in protection and monitoring of its national reservoirs.

Keywords: Rain, Deities, Dēvs, Tīštar, Celebration.

Seasonal Journal of
Studies of Cultural Heritage
Documents
ISSN: 2538-1644
Vol. 1, No.1, Winter 2017

آب‌کرداری و جشن آب‌ها در اساطیر ایران

محمود جعفری دهقی

گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

mdehaghi@ut.ac.ir

پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۰

دریافت: ۹۵/۰۸/۱۵

چکیده

سرزمین ایران از دیرباز آب و هوا و جغرافیای طبیعی متنوعی را تجربه کرده است. بخش چشمگیری از مرکز فلات ایران را که در میان سه رشته کوه البرز در شمال و زاگرس در غرب و تفتان در شرق واقع شده کویرهای خشک و بی آب فراگرفته اند. این تاحیه که از بی حاصل‌ترین و بایرترین کویرهای جهان است، شامل دو بخش، یکی دشت کویر در شمال و دیگری دشت لوت در جنوب است. این پدیده سبب شده تا سرزمین ما همواره مورد تهدید خشکسالی باشد. در چنین شرایطی پیدایی اسطوره‌های مربوط به باران امری منطقی به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، اسطوره باران سازی حاصل روزگاری کهن است که سرزمین ما دستخوش خشکسالی‌ها و دشواری‌های آب و هوایی بوده است.

از سوی دیگر آنچه از فحوای اساطیر ایرانی در باره پدیده آب به نظر می‌رسد آن است که حفاظت و پایش آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ایرانیان در این خصوص آیینها، جشن‌ها و نیایش‌های متنوعی داشته اند. هدف از این مقاله بررسی چند نونه از این آیینها و جشن‌ها است که باید در سایه پژوهش‌های فرهنگی و کاوش‌های باستان‌شناسی بازشناسی شوند و جنبه‌های ارزشمند آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا بتوان از آن در صیانت و پایش منابع ملی آب استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: باران، ایزدان، دیوان، تیشتر، جشن

مقدمه

اهمیت و نقش آب در حیات آدمی سبب شده تا این پدیده جایگاه ویژه‌ای در اساطیر و باورهای همه ملت‌ها، به‌ویژه در جهان‌بینی اساطیری ایرانیان کسب کند. خاستگاه اساطیر ایرانی از سوئی با اسطوره‌های کهن هند و ایرانی و از سوی دیگر با اندیشه‌های اسطوره‌ای میانرودان پیوستگی دارد. بدین روی نگاهی کوتاه به اساطیر این دو قوم می‌تواند پرتوی بر باور ساکنان فلات ایران در باب اسطوره‌های مربوط به آب‌ها بیفکند. شاید *ودها* کهن‌ترین منبعی باشد که در آن به ایزدان و ایزدبانوان نگهبان آب‌ها اشاره شده است. یکی از ویژگی‌های این اسطوره‌ها خصوصیت طبیعی آنهاست.

در *ریگ‌ودا* از ورونه (varuna) به عنوان یکی از ایزدان بزرگ هند و ایرانی سخن رفته است. وی همراه با میتره (Mitra) بر گردونه‌ای سوار است. خورشید چشم اوست و به یاری نیرویی درونی زمین را می‌پیماید. وی با همکاری میتره نظم جهان مادی را بر عهده دارد. اما ورونه و میتره با آب‌های جهان و بارش باران نیز مربوط اند. به هنگام بی‌بارانی و خشکسالی به درگاه او دعا می‌کنند. ورونه حتی با آب‌های آسمانی نیز پیوند دارد. اگرچه نام این ایزد در اساطیر ایرانی مشاهده نمی‌شود اما به نظر می‌رسد که اهورامزدا جانشین او شده باشد (Eliade, 1958: 72). یکی دیگر از ایزدان برجسته در اساطیر هند و ایرانی ایندیره (Indra)، ایزد جنگاوران است. او خدای محبوب هندیان است و بیش از همه خدایان مورد ستایش قرار می‌گیرد. لقب او «وجره» (Vajra) به معنی مسلح است. وی بر گردونه‌ای با دو اسب و گاهی تا یکهزار اسب سوار است. افزون بر خویشکاری‌های دیگر، وی خدای آذرخش، شکست‌دهنده دیوان خشکسالی و رهایی-بخش آب‌های زندانی است. به این سبب در اساطیر ایران او را با ایزد تیشتر مقایسه می‌کنند که همانند ایندیره وظیفه آوردن آب و باران به سرزمین‌ها را بر عهده دارد.

در ادبیات ودایی همچنین از ایزدی به نام اگنی (Agni) نام برده شده است. وی به عنوان برترین ایزد زمینی و نماد آتش است. اگنی در دامان آب‌ها پرورش یافته به همین روی، ارتباط خاصی با آب‌های پنهان در ابرها و آذرخش دارد. او که در هر خانه‌ای حضور دارد، دیوان و موجودات زیان‌آور را دور می‌کند. در اساطیر ایرانی اگنی جای خود را به ایزد آذر می‌دهد. در *ودها* همچنین، اپام‌نپات خدای آب‌ها خوانده شده است (Macdonell, 1963: 69).

در میانرودان نیز که آب همواره نقشی حیاتی در زندگی آدمی داشته، ایزدان موکل بر آب‌ها از نیروی بسیار برخوردار بوده اند. اثرگذاری ایزدان مذکور همانند ایزدان آریایی بر اساطیر ایرانی به خوبی آشکار است. آ (Eā) از جمله ایزدانی [بود] که با آب‌های شیرین زیر زمین پیوند داشت. او

منشأ دانش‌های جادویی مقدس بود. مرکز پرستش او شهر اریدو بود. افزون بر او، ادد (Adad) خدای هوا و باران حیات‌بخش بود که از باروری فصول پشیمانی می‌کرد. در حماسه آفرینش نیز، افسوس‌نماینده آب‌های ازلی زیر زمین و تیامت نماد دریا بوده است (مک کال، ۱۳۷۳: ۳۷ و ۷۲). در ایلام باستان از ایزد بانویی به نام شازی (Shazi) یاد شده که خدای رودهاست و در محاکمات به عنوان قاضی آزمون‌های سخت به او پناه می‌جستند (هیئتس، ۱۳۷۶: ۵۷).

آفرینش آب در اساطیر ایران

بنا بر اساطیر ایرانی اهورامزدا جهان هستی را در شش نوبت آفرید و در پی هر آفرینش، چند روزی تأمل کرد. ایرانیان این چند روز را چشن گرفتند و آن را گاهنبار نامیدند. وی نخست، آسمان را آفرید، روشن و پهناور و به شکل تخم مرغ (بهار [بندھشن]، ۱۳۶۹: ۴۰). آسمان به منزله سپری در برابر هجوم اهریمن بود تا نتواند گزندی به آفریده‌های او برساند. سپس از گوهر آسمان آب را آفرید، چند مردی که دو دست بر زمین نهد و به دست و پای رود... به یاری او باد، باران، مه، ابر بارانی و برف آفریده شد (همانجا). سه دیگر از آب زمین را آفرید. چهارم گیاه، پنجم، چارپا و ششم انسان را آفرید.

در مرحله‌ای دیگر، اهورامزدا فرشتگانی را به نهبانی آفریدگان خویش آفرید و آنها را امشاسپند نامید. بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، و مرداد. در این میان نهبانی از آب را به خرداد سپرد. گزارش بندهشن در این باره چنین است: «ششم از مینوان خرداد است. او از آفرینش مادی آب را به خویش پذیرفت. به یاری و همکاری وی تیر و باد و فروردین داده شدند، که تیر تیشتر است. که در (دوران) اهریمنی آن آب را به یاری فروردین که فروهر پرهیزکاران است، ستاند و به مینویی به باد بسپارد. باد آن آب را به شتاب به کشورها راهبر شود» (بهار [بندھشن]، ۱۳۶۹: ۴۹). کسی که آب را رامش بخشد یا بیازارد، خرداد را از خود شاد کرده یا آزرده است (همان، ۱۱۶).

باری اهورامزدا افزون بر خرداد امشاسپند، ایزدان و فرشتگان دیگری را نیز در مقام نهبان و موکل بر آب‌ها گمارد. برخی از آنان بدین قرار اند:

ایزدان و فرشتگان موکل بر آب‌ها

اردویسور اناهید (ardwīsūr anāhīd) ایزدی است که در اساطیر ایران از او با عناوین پدر و مادر آب‌ها، و نیز الهه و مظهر آب‌ها نام برده شده و همواره مورد ستایش ایرانیان بوده است. لقب

اردویسور به معنی اردوی نیرومند است و اشاره به آب‌های نیرومند دارد (Hinnells, 1988: 27). او که در فارسی نو ناهید خوانده می‌شود، ایزدبانویی نیرومند، سپید، زیبا و خوش‌اندام است. جامه‌ای گران‌بها بر تن، کفش‌هایی زرین بر پا و کمربندی زرین بر میان دارد. او گوشواره‌ای زرین در گوش و تاجی گوهرنشان بر سر دارد. در میان ستارگان به سر می‌برد و گردونه‌ی او را چهار اسب نر می‌برند که باد و باران و ابر و تگرگ اند. یشت پنجم و یسنای ۶۵ / اوستا به او و آب‌ها اختصاص دارد. اهورامزدا او را ستوده و بسیاری چون هوشنگ، جم، ضحاک، فریدون، گرشاسب، افراسیاب، کاوس، و دیگران برای او قربانی کرده‌اند تا بیاری او به نیازهای خویش دست یابند. به نظر می‌رسد که آیین پرستش ناهید تحت تأثیر ایزد میانرودانی تیشتر باشد. ستایش ناهید و مهر در دوره‌ی دوم شاهنشاهی هخامنشی گسترش بسیار یافت (بهار، ۱۳۷۶: ۸۰-۸۱). به طوری که آثار مربوط به معابد و ستایشگاه‌های ناهید امروز در بسیاری از نقاط ایران نظیر کنگاور و بیشابور کشف شده است. افزون بر این، به نظر می‌رسد که بسیاری از این پرستشگاه‌ها در عهد اسلامی به «قلعه‌ی دختر» تغییر نام داده‌اند.

ایزد دیگری که خویشکاری او با آب ارتباط یافته و در اوستا به ایزد آب‌ها شهرت یافته برز ایزد (borz yazad) یا آبان است که در اوستا اپام‌نیات (apam napāt) خوانده می‌شود به معنی «فرزند آب‌ها». او دارای قامتی بلند و اسبی تندرو است و همانند امشاسپندان می‌درخشد (یشت ۸، بند ۳۴). بندهشن در باره‌ی او چنین گزارش می‌دهد: «برز ایزد را مسکن آنجا است که اردویسور، آب نیالوده است. او را خویشکاری بیشتر این که آب دریا را به همه‌ی کشورها بخش کند» (بهار [بندهشن]، ۱۳۶۹: ۱۱۶).

تیر یا تیشتر از دیگر ایزدان باران‌آور است. خلاصه‌ی گزارش یشت هشتم / اوستا از اسطوره‌ی باران‌کرداری تیشتر چنین است:

تیشتر ستاره‌ای «آب‌چهر» است ... که نژاد از اپام‌نیات دارد (کرده ۲، بند ۴). به یاری او چشمه‌های آب، نیرومندتر از اسب بتازند (کرده ۳ بند ۵). وی به پیکر اسبی به سوی دریای فراخکرت نیرومند ... می‌آید و آب‌ها را متلاطم می‌کند (کرده ۵ بند ۸). آنگاه سدویس این آب‌ها را به هفت کشور رساند (کرده ۵ بند ۹). تیشتر ده شب نخستین را به پیکر مرد پانزده‌ساله ... پرواز کند (کرده ۶ بند ۱۳). ده شب دوم را، در روشنی‌ها پرواز کنان، به پیکر گاو نر زرین‌شاخی درآید (کرده ۶ بند ۱۶). و ده شب سوم را [نیز] پرواز کنان، تن به پیکر اسب سپید زیبای زرین‌گوش و زرین‌لگامی درآورد (کرده ۶ بند ۱۸)، و به دریای فراخکرت فرود آید (کرده ۶ بند ۲۰). آنگاه، دیو اپوش به پیکر اسب

سیاهی به پذیره او دوارد (= هجوم برد)، اسی کل با گوش‌ها، گردن (و) دم کل، داغ خورده (و) ترسناک (کرده ۶ بند ۲۱). هر دو سه شبانروز با هم بجنگند. آنگاه دیو اپوش بر تیشتر رایومند فرهمند چیره شود و او را شکست دهد (کرده ۶ بند ۲۲). [سپس تیشتر گوید:] براستی اگر مردم مرا با یسنای نامبردار بستایند، من نیروی ده اسب، نیروی ده کوه و نیروی ده آب ناو رو خواهم گرفت (کرده ۶ بند ۲۴). [آنگاه اهورامزدا گوید:] من، تیشتر رایومند را با یسنای نامبردار می‌ستایم و به او نیروی ده اسب، نیروی ده شتر، نیروی ده گاو، نیروی ده کوه و نیروی ده آب ناو رو می‌بخشم (کرده ۶ بند ۲۵). آنگاه، تیشتر رایومند ... به دریای فراخکرت فرود آید. آن دو با یکدیگر بجنگند و در هنگام ظهر تیشتر رایومند بر اپوش دیو پیروز شود و او را شکست دهد (کرده ۶ بند ۲۶-۲۸).^۱

تیشتر در متون پهلوی

افزون بر این، از اسطوره باران‌سازی تیشتر در غالب متون پهلوی نیز یاد شده است. دینکرد سوم به علت یا چرایی ریزش باران و همکاران تیشتر در باران‌سازی اشاره دارد. اما خاستگاه همه این متون، *اوستاست* که سرچشمه اصلی این اسطوره بوده است. بنابراین، پس از این روزگار نیز با وجود تحولات و دگرگونی‌هایی که در این اسطوره به وجود آمد، هسته اصلی آن از میان نرفت. به همین سبب مؤلفان دینکرد^۲ و دیگر متون پهلوی هر یک با شیوه خاص خود به تشریح اسطوره باران پرداخته‌اند و در عین حال، کالبد اصلی اسطوره را حفظ کرده‌اند. بنا بر گزارش این متون چرایی یا علت غایی باران، نیاز جهان به تازگی و طراوت است. این طراوت دردها را می‌زداید و به رویش گیاهان یاری می‌رساند. سرور کارگزاران هرمزد در باران‌سازی تیشتر است. دیگر یاوران وی ستاره سدویس، بهمن، اردویسور، باد، هوم، دین، برز ایزد و فروهر پارسایان است. تیشتر آب را از دریای «وروش» یا «فراخکرت» برمی‌دارد و با ابزار باد به ابرپایه می‌برد تا در آنجا ابرها را باروز سازد و باران بباراند. اما در برابر باران کرداران، نابودکنندگان باران، اپوش دیو و دیوان و دروجان همراه او قرار دارند. در اثر جدال این پتیارگان به سرکردگی اپوش با تیشتر و یاران اهورایی او ممکن است موقتاً تیشتر دچار شکست شود و در نتیجه خشکسالی زمین را فراگیرد. اما چنان‌چه پارسایان به ستایش تیشتر بپردازند، در این صورت وی پیروز می‌شود و ابرها بارور می‌شوند و سرانجام باران به تساوی به همه زمین خواهد بارید. بدین ترتیب، می‌توان گفت که دینکرد سوم با شیوه‌ای فلسفی و منطقی به چگونگی ایجاد باران می‌پردازد و در این زمینه لحنی متفاوت با دیگر متون دارد (همانجا؛ مزداپور، ۱۳۷۸: ۳۵۱). در حالی که شیوه بیان منوچهر

در *دادستان* دینی اجتماعی است.

متون دیگر فارسی میانه نیز به اسطوره باران‌سازی پرداخته اند. بندهشن که بیشتر به آفرینش هستی‌های مینوی و مادی پرداخته نیز همین اسطوره را با اندک تفاوتی در جزئیات شرح می‌دهد و حتی آگاهی‌های تازه‌ای نیز به آن می‌افزاید. بنا بر گزارش بندهشن، افزون بر تیشتر، آتش وازشت نیز به باران‌سازی می‌پردازد. اهریمن اسپنجروش دیو را برای مقابله با او خلق کرد. رعد و برقی که در آسمان پیدا می‌شود بر اثر جدال و ستیز تیشتر و آتش وازشت با اپوش و اسپنجروش است. هنگامی که تیشتر به برداشتن آب از دریای فراخکرت می‌پردازد، «خر سه‌پا» از سر یاری آب دریا را می‌آشوبد و آن را به اطراف می‌پراکند، تا سرانجام، تیشتر به یاری او و فروهر پارسایان آب از این دریا برگردد و به ابر پایه ببرد (بهار [بندهشن]، [۱۳۶۹: ۹۵]). روایت پهلوی نیز یاری خر سه‌پا را تأیید می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۴۶؛ Williams, 1990(2): 190).

پتیاره‌ها و دیوان

اما پس از آفرینش جهان مادی به دست اهورامزدا، اهریمن نیز از روی رشک و نادانی به آفرینش نیروهای شرور پرداخت تا بتواند به کمک آنها جهان روشن اهورامزدا را بیاشوبد. وی برای مقابله با امشاسپندان شش دیو اکومن، اندر، ساوول، ناگهیس یا ترومد، تریز، و زریز را به ترتیب در ازای بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، و مرداد خلق کرد. اهریمن همچنین در مقابل هر نیروی اهورایی نیرویی اهریمنی ایجاد کرد. بدین ترتیب، در گیتی دیو تشنگی را در برابر آب، در سپهر تیر اباختری را در برابر تیشتر، در ابر پایه اسپنجروش^۳ (spinjaruš) را در برابر آتش وازشت^۴ (wāzišt) و اپوش دیو را در برابر تیشتر و چشمگان دیوان^۵ (čašmagān dēwān) را در برابر باد و ایزدان باران‌ساز قرار داد (بهار [بندهشن]، [۱۳۶۹: ۵۶]).

اهریمن آنگاه بر آفرینش اهورایی تاخت و از جمله بر آب یورش برد و آن را تباه کرد و بدمزگی را بر آن فراز برد. در این میان، اهورامزدا برای دفاع از آفرینش خویش یاران خویش را به ایستادگی و پایداری در برابر اهریمن و دیوان و دروجان و پتیارگان فراخواند. آسمان راه بر اهریمن بست و تیشتر باران‌سازی کرد. وی آب را برای شستن زهر دیوان و رویش حیات تازه بارانید. شوری آب به واسطه آمیختن زهر خرفستران با آن بوده است. آبی که به وسیله تیشتر بارید به وسیله باد به سراسر زمین راه یافت. سه دریای بزرگ و سی دریای کوچک و دو چشمه نیز به نام‌های چیچست و سوور از آن آب پیدا شد. افزون بر این دو رود اروند و وه‌رود را به دریای فراخکرت پیوند داد. باین ترتیب دریاها و رودها آفریده شد.^۶

آیین‌های نیایش و جشن آب در عهد باستان

وجود ایزدها و فرشتگان مرتبط با آب و باران‌سازی خود نشانگر وجود نیایش‌ها و دعاهای و نیازها برای افزایش باران و آب رودخانه‌ها و چشمه‌هاست. در جدال میان تیشتر و اپوش دیو، همان‌گونه که مشاهده شد، در صورتی پیروزی نصیب تیشتر خواهد شد که مردم به درگاه او نیایش کنند. این نیایش‌ها تنها به ایزدان ایرانی اختصاص ندارد بلکه در فرهنگ‌های ملل دیگر نیز برای پایش و افزایش آب‌ها به درگاه ایزدان نیاز و نیایش می‌بردند. ایلامی‌ها بر این باور بودند که برای زندگی پس از مرگ، علاوه بر غذا به آب هم نیاز است. به این جهت کانال‌هایی وجود داشت که از طریق آنها آب را به قبرها می‌فرستادند (هیتس، ۱۳۷۶: ۷۶).

نکته قابل یادآوری اینکه بنا به گفته دینکرد ششم (C82) اگر میزد و گاهنبار و یاری به درویشان کاهش یابد، ... بدبارانی خواهد بود (دینکرد ششم: 172: 1979, Shaked). همچنین بنا بر زند و همن یسن (فصل ۴، بند ۴۲)، ممکن است به واسطه گناهکاری مردم، باران خرفستر از آسمان ببارد. این واقعه و به هنگام نباریدن باران ممکن است خود نشانه پایان جهان باشد (راشد محصل، ۱۳۷۰: ۷؛ 138: 1995, Cereti). همچنین، زادسپرم افزون بر نقل کامل اسطوره باران‌سازی تیشتر، اشاره می‌کند که به هنگام رستاخیز باران خرفستر کش خواهد بارید (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۶۲؛ 126: 1993, Gygnoux and Tafazzoli).

جشن تیرگان

این جشن را حدوداً همزمان با گاهنبار میدیوشم می‌دانند که جشن آفرینش آب بوده و به گزارش ابوریحان بیرونی ایرانیان در این روز به آب‌تنی می‌پرداختند (بیرونی، ۱۹۳۳: ۲۲۱). سیدحسن تقی‌زاده جشن آب افشاندن آرامنه به یکدیگر را با این جشن مربوط می‌داند (تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵۰).

جشن آبریزگان (= آبریزان)

بنا بر گزارش بیرونی یکی از جشن‌های ایرانیان مربوط به آب بود و «جشن آبریزان» یا «آبریزگان» (در متن آثار الباقیه: آفریجکان) نام داشت. جشن مزبور روز سی‌ام بهمن ماه بود و در این روز مردم به آب‌پاشی می‌پرداختند و به این طریق از درگاه خداوند طلب باران می‌کردند. به نظر بیرونی منشأ این جشن به خشکسالی طولانی و سختی باز می‌گردد که در روزگار پیروز، پادشاه ساسانی روی داد و طی آن مردم بسیار تلف شدند. پیروز به دیدار آذر خوره (= آذر فرنبغ)

روحانی بزرگ شتافت و از او یاری خواست. آذر فرنیغ دعا کرد تا خدای تعالی آن آفت را از ایران شهر دور فرمود (بیرونی، ۱۹۲۳: ۲۲۸). پاره‌ای منابع تاریخ دیگری را برای این عید یاد کرده اند. از جمله تقی‌زاده که افزون بر سی‌ام بهمن ماه، تاریخ سی‌ام خرداد را به نقل از عجایب *المخلوقات* به عنوان «آبریزگان یا عید الاغتسال در اصفهان» و سیزدهم تیرماه را به عنوان آبریزگان به نقل از فرهنگ جهانگیری نام برده است (تقی‌زاده، ۱۳۱۶-۱۳۱۷: ۱۹۱).

عید آب‌ها

افزون بر این، بیرونی گزارش می‌دهد که ایرانیان روز نوزدهم شپندارمذ (= اسفند) را «عید آب‌ها و رودها» می‌نامیدند و آن را با پاشیدن گلاب و عطر در آب جشن می‌گرفتند (بیرونی، ۱۹۲۳: ۲۳۰). ظاهراً شاردن خود این مراسم را در اصفهان مشاهده کرده زیرا در سفرنامه معروف خود به آن اشاره کرده است.

پایش آب در عهد باستان

گزارش‌های بسیاری در بارهٔ پاک نگه داشتن آب‌ها و نیالودن آن در دست است. در سنت‌های ایرانی آب‌ها همواره مقدس اند بنابراین آلودن آنها مایهٔ رنجش و حتی خشم خدایان می‌شد. کتاب *وندیداد* از متون مهم ایران باستان است و بخشی از آن در باب بهداشت آب و طهارت آن است (فصل ششم، بندهای ۲۶-۴۱). بر اساس این کتاب، انداختن لاشهٔ حیوانات و انسان و ریختن ناپاکی‌ها و مواد آلوده در آب جاری ممنوع است و مرتکب آن به مجازات محکوم می‌شود. ارداویراف در نامه مشهور خود نقل می‌کند که در بهشت «...روان آنان را دیدم که مینوی آب و زمین و گیاهان و گوسفند پیش آنها ایستاده بودند و آفرین (= دعا) می‌کردند و ستایش و سپاس و آزادی (= تشکر) می‌گفتند و گاه آنها را بزرگ‌تر و جای آنها را بهتر می‌کردند و این مرا بسیار ستودنی در نظر آمد» (زینیو *ارداویرافنامه*، فصل ۱۴، بند ۹). وی همچنین در دوزخ روان مردی را می‌بیند که از گرسنگی و تشنگی فریاد می‌زند. از گناه او می‌پرسد و به او پاسخ می‌دهند که این روان مردی است که در گیتی آب و گیاه را در حال سخن گفتن خورد و آن را تحقیر کرد (زینیو *ارداویرافنامه*، فصل ۲۳، بند ۴). افزون بر این فصل‌های ۳۷ و ۳۸ و ۵۸ نیز به پادافراه کسانی پرداخته که در زندگی آب را آلوده کرده اند.

اسطوره باران‌سازی

باران که یکی از جلوه‌های آب است در اساطیر ایران پدیده‌ای اهورایی به شمار می‌رود و آفریننده آن اهورامزدا است. اما این آفرینش به سادگی صورت نمی‌پذیرد. چنان‌که در گزیده‌های زادسپرم گوید که آفریدن ابر که باران می‌بارد، یکی از دشوارترین کارهای آفرینش بود (فصل ۳۴، بند ۲۰). باری آفریدگار یکی از فرشتگان خود را به نام تیشتر مأمور باران‌سازی می‌کند. اما در مقابل این فرشته، دیو خشکسالی قرار دارد. خشکسالی در جهان‌بینی ایرانیان باستان پدیده‌ای اهریمنی به شمار می‌رود. اهریمن برای ایجاد خشکسالی و مقابله با تیشتر دیوی به نام اپوش (Apōš) می‌آفریند تا او را از بارانیدن ابرها بازدارد. سپس، تیشتر در قالب اسبی زیبا و اپوش در پیکر اسبی زشت و کل (= گر) به جدال برمی‌خیزند. نخستین برای باران‌سازی، و دومین برای نابودی و خشکانیدن باران. بنا بر گزارش بندهشن هنگامی که اهریمن بر آب تاخت، «تیشتر باد را به یاری خواست و بهمن و هوم به راهبری و برز آبان ناف به همکاری و اردای فرورد به پیمان‌داری به گرد هم آورده شدند». در این حال تیشتر به سه پیکر ظاهر می‌شود: یکی به پیکر مردی پانزده-ساله، دو دیگر به پیکر گاوی و سه‌دیگر به پیکر اسبی. وی در کالبد هر یک از این سه پیکر ده شب در روشنی پرواز می‌کند و به مدت سی شب باران را برای نابودی خرفستران (xrafstarān: جانوران مودی و اهریمنی) می‌باراند و بدین ترتیب، بیشتر آنان را نابود می‌سازد. در این حال مینوی باد به شکل مردی روشن و بلندقامت با موزه‌ای چوبین بر پای ظاهر می‌شود و همانند جان که تن را به جنبش وامی‌دارد، باد را می‌وزاند. باد آب را به جای‌جای زمین می‌افکند و بدین ترتیب دریای فراخکرت و دیگر دریاها و رودها و چشمه‌ها پیدا می‌شوند. پس از نابودی خرفستران زهر آنها با زمین درمی‌آمیزد. تیشتر برای از میان بردن آن زهر به دریا فرومی‌شود و در این حال اپوش دیو به مقابله او می‌آید. در نبرد آغازین شکست بر تیشتر وارد می‌شود. بدین روی تیشتر از اهورامزدا یاری می‌جوید و به درگاه او نیایش می‌کند. در اثر آن نیایش‌ها نیروی تیشتر آن‌گونه می‌افزاید که به اندازه ده اسب نر، ده شتر نر، ده گاو نر، ده کوه، و ده رود می‌رسد. آنگاه تیشتر در دودیگر نبرد اپوش دیو را می‌راند و بارانی بزرگ فرومی‌ریزد. به واسطه این باران که قطرات آن همچند سر گاوی است، دریاها بر زمین پدید می‌آیند (بهار[بندهشن]، ۱۳۶۹: ۶۴).

به جرأت می‌توان ادعا کرد که این اسطوره یکی از جذاب‌ترین اساطیر جهان در باره باران-سازی است. داستان باران‌سازی تیشتر در *اوستا* و غالب متون فارسی میانه آمده است و پیش از این در منابع بسیار از آن یاد شده است.^۷ در *دادستان* دینی نیز فصل خاصی به این اسطوره اختصاص داده شده است.

نتیجه

بنا بر آنچه گذشت، یکی از ویژگی‌های سرزمین ایران تنوع آب و هوا و جغرافیای طبیعی آن است. بخش چشمگیری از مرکز فلات ایران را کویرهای خشک و بی‌آب فراگرفته‌اند. این ناحیه که از بی‌حاصل‌ترین و بایرترین کویرهای جهان است، شامل دو بخش، یکی دشت کویر در شمال و دیگری دشت لوت در جنوب است. این پدیده سبب شده تا سرزمین ما همواره در معرض تهدید خشکسالی باشد. در چنین وضعی، پیدایی اسطوره‌های مربوط به باران امری منطقی به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، همان‌گونه که در مقدمه یاد شد، در میانرودان نیز خویشکاری «ایشکور (داد)»، ایزد طوفان، آوردن باران برای مناطق زیر کشت بوده است و همین خویشکاری را ایندرة ودایی در زمینه ایجاد آب و باران دارد (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

با توجه به شرایط بالا آنچه از فحوای اساطیر ایرانی درباره پدیده آب به نظر می‌رسد، آن است که حفاظت و پایش آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ایرانیان در این خصوص آیین‌ها، جشن‌ها و نیایش‌های متنوعی داشته‌اند. این آیین‌ها و جشن‌ها باید در سایه پژوهش‌های فرهنگی و کاوش‌های باستان‌شناسی بازشناسی شوند و جنبه‌های ارزشمند آنها بررسی و ارزیابی شود تا بتوان از آن در صیانت و پایش منابع ملی آب استفاده کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای ذکر نام تیشتر در بخش‌های مختلف *اوستا* نک: Bartholomae, 1961: 651.
۲. برای آگاهی از گزارش دینکرد سوم از باران‌کرداری نک: دینکرد مدن، ص ۱۰۷، سطر ۱۶ به بعد. همچنین، بنگرید به: مزدپور، ۱۳۶۶: ۸۵۳.
۳. spinjaruš نام دیوی است در ابرها که دشمن آتش وازشت است و از بارش آبی که در ابرها ست جلوگیری می‌کند.
۴. wāzišt آتشی است که در ابرها جای دارد.
۵. čašmagān dēwān دشمن باده‌ها و ابرهای سودمند اند.
۶. در باره آفرینش دریاها و رودها نک: بندهشن، فصل نهم.
۷. از جمله بنگرید به مزدپور، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۸ و نیز نک: Panaino, 1990, II: 100.

کتابنامه

- بلک، جرمی و آنتونی گرین. ۱۳۸۳. *فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان*. ترجمه پیمان متین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهار، مهرداد. ۱۳۶۹. *بندهشن*. تألیف فرنیغ دادگی. تهران: انتشارات توس.

- بهار، مهرداد. ۱۳۷۶. پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم). ویراسته کتابیون مزداپور. چ ۲. تهران: نشر آگه.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی. ۱۹۲۳. آثار الباقیه عن القرون الخالیه. تصحیح ادوارد زاخو. لیپزیک.
- پورداوود، ابراهیم. ۲۵۳۶. بیست‌ها. ۲ جلد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی‌زاده، سیدحسین. ۱۳۱۶ / ۱۳۱۷. گاهشماری در ایران قدیم. تهران.
- تقی‌زاده، سیدحسین. ۱۳۸۱. بیست مقاله. ترجمه احمد آرام و کیکاوس جهاننداری. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- جعفری دهقی، محمود. پاییز ۱۳۸۲. «اسب و باران‌سازی در اساطیر ایران». در مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، ش ۴.
- راشد محصل، محمدتقی. ۱۳۷۰. زند بهمن یسن. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی. ۱۳۶۶. گزیده‌های زادسپرم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زینیو، فیلیپ. ۱۳۷۲. ارداویراف‌نامه (ارداویراز نامه). ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار. تهران: انتشارات معین.
- مزداپور، کتابیون. ۱۳۷۸. داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید گلشاه و متن‌های دیگر (بررسی دستنویس م. او ۲۹). تهران: نشر آگه.
- مزداپور، کتابیون. ۱۳۶۶. «تحلیلی بر اسطوره باران‌کرداری». در چپستا، سال ۴، ش ۸ و ۹.
- مک کال، هنریتا. ۱۳۷۳. اسطوره‌های بین‌النهرینی. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۷. روایت پهلوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هیبتس، والتر. ۱۳۷۶. دنیای گمشده عیلام. ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هینلز، جان. ۱۳۷۹. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تقضلی. تهران: نشر چشمه.
- Anklesaria, P. K. 1958. *A Critical Edition of the Unedited Portion of the Dadestan-ī Dinig*. Unpublished Thesis, University of London.
- Bartholomae, Chr. 1961. *Altiranisches Worterbuch*. Berlin.
- Cereti, Carlo G. 1995. *The Zand ī Wahman Yasn*. A Zoroastrian Apocalypse, Rome.
- Eliade, M. 1958. *Patterns in Comparative Religion*. USA.
- Gignoux, Ph. and A. Tafazzoli. 1993. *Anthologie de Zādspram*. Studia Iranica, Chier 13. Paris.
- Hinnells, John R. 1988. *Persian Mythology*. first publish 1973, London.
- Jaafari-Dehaghi. 1998. *Dādestān ī Dēnīg* (Part I). Studia Iranica, Paris.
- Macdonell, A. A. 1963. *The Vedic Mythology*. India.
- MacKenzie, DN. 1990. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London.
- Madan, D. M. 1911. *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*. 2 Vols. Bombay.
- Panaino, Antonio. 1990. *Tištṛya* (two parts). Serie Orientale Roma, Rome.
- Shaked, Sh. 1979. *The Wisdom of the Sasanian Sages (Dēnkard VI)*. by: Atur-i Ēmētān, Boulder, Colorado.
- Williams, A.V. 1990. *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī Dēnīg* (II Parts). Copenhagen.